



کامبیز نوروزی

سند همکاری ایران و چین مخالفان و موافقان متعددی دارد. از آنان که این سند را به فروش ایران تشبیه می‌کنند و گروهی که آن را ترک‌مانچای دوم می‌خوانند… تا کسانی که این سند را گامی بلند برای توسعه کشور تلقی می‌کنند و آن را شروع تحولاتی در روابط بین‌المللی ایران می‌دانند. هنوز چیز زیادی از این توافق نمی‌دانیم. همه این تحلیل‌ها صرفاً بر پایه یک متن غیررسمی ۱۸ صفحه‌ای بنا شده‌اند که شامل کلیاتی نامعین است و تقریباً هیچ تعهد الزام‌آور حقوقی در آن دیده نمی‌شود. یعنی اگر فردا و پس‌فردا هریک از دو دولت بخواهد آن را کنار بگذارد، چیزی مانع آنها نیست. یک سند، به بیان خیلی ساده، وقتی قرارداد محسوب می‌شود که در آن جزئیاتی مانند موضوع و مدت و مبلغ و تضمین‌های آن با جزئیات متعدد به دقت تصریح شود و هیچ‌یک از طرف‌ها نتوانند از آن کناره بجوید مگر با قبول مسئولیت و احتمالاً جبران خسارت. این سند تا این مقدار که به طور غیررسمی منتشر شده است چیزی بیش از یک یادداشت تفاهم نیست. مگر اسناد وابسته‌ای داشته باشد که از آن بی خبر مانده باشیم. شاید این توافق چیزی در حد همین متن ۱۸ صفحه‌ای باشد و در همین حد باقی بماند که در این صورت اتفاق خاصی برای ایران رخ نخواهد داد. اما در این نوشتار فرض بر این است که این سند در حال‌حاضر یا در آینده به قراردادهایی منجر می‌شوند که طبق آنها دولت چین برنامه‌ها و طرح‌های معینی را در ایران اجرا کند. می‌خواهیم ببینیم این قراردادها در ساختار حقوق توسعه و نظام برنامه‌های اقتصادی ایران چه کارکردی خواهد داشت.

سندپنهان

دولت هم مثل همیشه سخت پنهان‌کاری می‌کند و چیزی نمی‌گوید. پنهان‌کاری در سرشت ساخت‌ قدرت در ایران است. پنهان‌اش هم این است که طرف چینی مایل به افشای جزئیات نیست. از نظر حقوقی فرض این است که یک قرارداد یا یادداشت‌ تفاهم هر دو طرف اراده‌ای برابر دارند. چنین اسنادی محصول اراده مشترک و برابر دو طرف است. اگر دولت ایران مایل به انتشار رسمی این سند است، چرا باید به‌رمغ خواسته‌ش خودش شرط طرف چینی مبنی بر عدم انتشار را ببیند؟ این یعنی که اراده طرف چینی بر اراده طرف ایرانی برتری داشته‌ است. خب! وقتی در چنین موضوع ساده‌ای ایران نتوانسته خواسته خودش برای انتشار رسمی سند را به طرف چینی بقبولاند و اراده جانب غلبه بوده، به سادگی می‌توان انتظار داشت که در مسائل مهم‌تر و جدی‌تر این سند هم اراده و خواسته‌های طرف چینی هم بر اراده و خواسته‌های طرف ایرانی غلبه داشته است. اما اگر دولت ایران هم مایل به انتشار رسمی سند و اطلاعات آن نبوده است، چرا عدم انتشار را به خواست چین نسبت می‌دهد.

پرش اصلی

اما نکته مهم‌تری وجود دارد که در مورد آن کمتر حرفی به میان آمده است. بر فرض آنکه این سند به قراردادهای معین اقتصادی و فنی و… منتهی شده و جنبه‌های اجرایی پیدا کند، آیا همکاری با دولت چین، یا هر دولت دیگر، در چارچوب این سند، با هر متنی و جزئیاتی که داشته باشد، قادر است در شرایط کنونی به حل مشکلات اقتصادی و علمی و فناوری ایران و توسعه و پیشرفت کشور کمک کند؟ یا منابع تازه‌ای برای اتلاف یا تولید زانت ایجاد خواهد کرد؟ پاسخ این پرسش زمانی مشخص می‌شود که بدین‌ام آیا سازمان حقوقی و نظم حقوقی-سیاسی-اداری-اقتصادی کشور به درستی عمل می‌برد، مگر آنکه فعالیت بهره‌بردارانی بهینه از منابع در دارد یا چنان دچار اختلال شده است که نمی‌تواند در بهره‌برداری از منابع کارآمد و موفق باشد؟ اگر دچار اختلال شده باشد همان‌گونه که اتلاف منابع داخلی به سهولت رخ می‌دهد و امکانات و منابع حاصل از همکاری با یک کشور خارجی را از خود مستحیل کرده و مزایای احتمالی آن را تا حد زیادی از بین می‌برد، مگر آنکه عوامل و موجدیات اختلال، به‌ عنوان یک امر داخلی از درون حل و اصلاح شوند. مهم‌ترین رهاورد مشارکت‌های بین‌المللی، ایجاد یا افزایش منابع است. مشارکت بین‌المللی پول و نیروی انسانی گاهی مدیریت به یک ساختار اضافه می‌کند و باعث افزایش توان آن ساختار در برنامه‌های اقتصادی و سیاسی و امنیتی… می‌شوند. منتها شرط لازم و ضروری موفقیت تاریخ خود را فراموش نکرده‌اند، اقدامات روسیه قرن ۱۹ و شوروی قرن ۲۰ را فراموش نکرده‌اند. ایضا اقدامات روسیه پس از فروپاشی شوروی را نیز یاد آورده‌اند که چه‌کسوری را رهااندازی روسیه‌ها بوشهر را سه دهه و تحویل موشک‌های اس – ۳۰ را دو دهه طول داد و چه‌کسوری

جذب و به کارگیری کارآمد آن منابع را داشته باشد.

ظرفیت‌های هدر

بنا به گزارش‌های سازمان‌های رسمی و کارشناسان اقتصادی شاخص‌های اقتصادی و شرایط اجتماعی ایران اصلا در وضعیت خوبی نیست. درحالی‌که ایران از نظر منابع تقریباً چیزی کم ندارد. اگرچه تحریم‌ها اقتصاد ایران را دچار مشکلات متعددی کرده است ولی سال‌هاست از منابع مادی و انسانی کشور در ناکارآمدترین حالت بهره‌برداری می‌شود. داشتن رتبه چهارم ذخایر نفتی، رتبه دوم ذخایر گازی، رتبه پانزدهم منابع کانی، رتبه ۱۰ ذخایر مس و قلع و آهن، وجود کارخانجات متعدد بسیار بزرگ و بسیاری ظرفیت‌های دیگر، می‌گوید ایران کشور ثروتمندی است و نمی‌توان آن را دچار کمبود منابع دانست. وضعیت نابسامان اقتصادی ناشی از عدم بهره‌برداری صحیح از منابع و اتلاف آنها توسط مدیریت ناتوان و رانتی و غیرمسئول است. فساد نیز به این اوضاع دامن می‌زند. منابع انسانی کشور نیز چندان تخصصی در پیشرفته‌ترین کار ایرانیان مهاجر در مشاغل تخصصی در پیشرفته‌ترین کشورهای جهان نشان از تربیت نیروی انسانی متخصص توانمند در ایران است. اینها بخشی از کسانی هستند که در دانشگاه‌های کشور تحصیل کرده‌اند یا در محیط‌های شغلی داخلی تجربه کسب کرده‌اند. اما موانع منفعت‌طلبانه سیاسی و رفتارهای حذفی قوانین برنامه‌ای و اقتصادی باقیفیت در سطوح بالا و میانی و حتی کارشناسی را به حداقل‌ها کاهش داده است. مدیریت رانتی که یک دستش در دست سیاست پشت پرده است و دست دیگرش در دست سرمایه‌داران برده‌نشین، اقتصاد کشور را به کشتی بی‌لنگری بدل کرده است که ساعت به ساعت کُز و مَژ می‌شود. چنین ساختاری با هر نظم حقوقی که براساس آن بتوان رفتارهای باثبات و مسئولانه را پایه‌ریزی و اجرا کرد، ناسازگار است. چند نمونه مقایسه‌ای ساده بین اهداف مندرج در قوانین و عملکردها این حقیقت را آشکار می‌کند. از حیث منابع انسانی هم شرایط قابل توجه و نقد است. باقر لاریجانی در یک سخنرانی در ۹۸ سال آمار قرار مغزها در ایران را سالانه بین ۱۳۰ تا ۱۸۰ هزار نفر اعلام کرد. از نگاه دیگر این عدد بیانگر این واقعیت است که ایران دارای نیروی انسانی تخصصی زیادی است که این مقدار آنها فرصت اشتغال تخصصی در کشورهای پیشرفته پیدا می‌کنند. این عده کسانی‌اند که از نظر دانشگاهی کشور بیرون آمده‌اند، برخی از آنها بافلاصله و برخی دیگر پس از مدتی کار و تجربه، درست زمانی که باید در بازار کار کشور جذب به بخشی مهم از نیروی انسانی توسعه را تأمین کند، به خارج از کشور رفته و کار و زندگی در جایی دیگر را آغاز می‌کنند. گفتن ندارد که کشورهای مهاجرپذیر کسانی را می‌پذیرند که از نظر تخصصی در سطوح ارزشمند و بالایی هستند. از دیدگاه نظم حقوقی، بناسد که نظام آموزش عالی کشور، تأمین‌کننده نیازهای نیروی تخصصی برنامه‌های مختلف ادارات حکومتی، عمل‌کنردن مسئولان میانی و وعده‌های اقتصادی داده‌شده. نمونه‌اش از شعارها و وعده‌های بی‌اساس مسئولان را در این جمله می‌توان دید: «در صورت اجرای درست قانون هدفمندکردن بارانه‌ها، در کمتر از نیمی از دوره برنامه پنجم، نرخ تورم به پایین‌تر از پنج درصد خواهد رسید». این جمله‌ای است که محمود احمدی‌نژاد زمان تقدیم لایحه بودجه ۸۹ به مجلس گفت. اما در طول پنج سال برنامه پنجم از ابتدای ۸۹ تا پایان ۹۲ نرخ تورم به ترتیب سال‌ها، ۱۱۲٫۹، ۲۶۴٫۶، ۲۳۸٫۶ و ۱۴۲٫۸ درصد گزارش شده است. در یک نمونه دیگر می‌توان به وضعیت آشفته و بی‌سامان و شدیداً زیان‌بار شرکت‌های دولتی اشاره کرد که به باری سنگین بر دوش دولت و ملت تبدیل شده‌اند و بخشی بزرگ از محیط‌های پنهان برای توزیع منافع میان صاحبان قدرت را تشکیل می‌دهند (نگارنده سازوکار پیچیده گریز از قانون و تولید فساد گسترده در این شرکت‌ها را در مقاله‌ای تحت عنوان «دیوان‌سالاری کلان‌گیر، شرکت‌های چندلایه‌ای و فساد مالی و اداری» به تفصیل مورد بحث قرار داده است، روزنامه شرق ۲۲/۲/۹۵). در گزارش رئیس دیوان محاسبات کشور که در آذر ۹۸ به مجلس ارائه داد: «تعداد شرکت‌های زیان‌ده در سال ۱۰۹۷ شرکت

سیاست

منابع تازه برای توسعه یا اتلاف

برآوردی از عملکرد احتمالی سند همکاری ایران و چین در نظم حقوق توسعه ایران



محمدصادق تهرنگیگستر فارس

پیش‌بینی شده بود، اما در عمل ما ۱۹۴ شرکت زیان‌ده داشته‌ایم؛ در سال ۹۸ تعدد ۶۷ شرکت زیان‌ده پیش‌بینی شده که در عمل ۱۹۷ شرکت زیان‌ده بوده‌اند؛

در سال ۱۳۹۷ قانون نسبت هزینه‌های جاری به سرمایه‌ای را ۶/۲ پیش‌بینی کرد اما عملکرد ۹ شد؛ در سال ۱۳۹۸ پیش‌بینی قانون از نسبت هزینه‌های جاری به سرمایه‌ای ۶/۲ بود که در عملکرد به رقم ۲۵ رسیدیم؛ در سال ۹۸ میزان زیان شرکت‌ها در قانون، سه هزار و ۳۰۴ میلیارد تومان پیش‌بینی شده که در عمل ۵۳ هزار و ۷۲۶ میلیارد تومان زیان واقعی داشته‌ایم…» درجمان حقوقی این تعارض بزرگ میان قانون و واقعیت این است که شرکت‌های دولتی عملاً فاقد یک نظم حقوقی‌اند و آنچه در آنها می‌گذرد ربطی به نظام حقوقی شرکت‌های دولتی ندارد. نهادهای قصه‌وارای به نام قانون می‌نویسند، مدیران و شرکت‌ها هم کار خودشان را می‌کنند. این الگو، فاقد خصوصیات یک نظم حقوقی است، یکی از نکات مهم در گزارش مرکز پژوهش‌ها در دوره مورد گزارش این است که از نظر پژوهشگران، «قوالم مهم مزاحم و مختل‌کننده کسب‌وکارها عمدتاً در موارد مدیریتی قرار دارند». گزارش مرکز پژوهش‌ها در تحلیل ریشه‌های وضعیت فعلی اقتصادی کشور به چند علت مهم اشاره می‌کند، از جمله: «کسری بودجه ساختاری مداوم، حکمرانی ناکارآمد نظام مالی و بانکی، تنظیم‌گری ناکارآمد بخشی در حوزه‌های مسکن و صنعت و انرژی، انحصار و فرایند بی‌تاکارآمد مجوزدهی، ناکارآمدی نظام تصمیم‌گیری، اقتصادی از منظر تعدد و تشتت آرای نهادهای تصمیم‌گیری، نحوه و فرایند برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری و… تعارض منافع و ناهماهنگی در سطوح تصمیم‌گیری بخشی عدم شفافیت اقتصادی و فرایندهای تصمیم‌گیری و…»، داده‌های متعدد حاکی از آن است که قوانین برنامه‌های عمرانی، که قوانین پایه و اصولی برای توسعه اقتصادی – اجتماعی – فرهنگی – سیاسی کشور محسوب می‌شوند، نهنتها به اهداف خود نرسیده‌اند، بلکه شکست خورده‌اند و مهم‌ترین عوامل این شکست در داخل ساختارهای مدیریتی قرار دارد.

قصه‌وارگی قوانین

فاصله عظیم و وسیع قوانین و مقررات توسعه‌های کشور با آنچه در بهره‌برداری از منابع بسیار ناکارآمد است که نظام برنامه‌ریزی و قانون‌گذاری ایران، مقررات و قانون نمی‌نویسد، بلکه داستان سرایی می‌کند. تعبیر «قانون قصه‌واره» شوخی نیست، واقعیت است. مثلاً کدام معجزه می‌تواند تعداد شرکت‌های زیان‌ده را در طول یک سال از ۱۹۴ شرکت به ۶۷ شرکت برساند جز معجزه‌هایی که در قصه‌ها رخ می‌دهند؟ نظام برنامه‌ریزی و قانون‌گذاری از دولت شروع نشده و در مجلس نهایی می‌شود. در تدوین مقررات و قوانین، مسئله اساسی و بسیار مهم این است که قانون باید با قانون اساسی و شرایط واقعی سازگار باشد. وقتی قوانین و برنامه‌های توسعه‌ای کشور چیزی می‌گویند و در عمل آنچه اتفاق می‌افتد زمین تا آسمان متفاوت است، به این معناست که قوانین و تصویب‌کنندگان آنها، مثل یک داستان‌نویس، فقط تصورات و تخیلات و آرزوهای خود را می‌نویسند. وقتی

سال هجدهم • شماره ۳۹۶۷ • زندان

پای همان حشرات و آفت‌ها و له‌لایه علف‌ها از بین می‌رود و حاصل چندانی نمی‌آورد. چه‌سپا که فقط حشرات و آفت‌ها را قوی‌تر و چاق‌تر خواهد کرد. با این اوصاف، نکته این است که منابع جدید احتمالی ناشی از سند همکاری با دولت چین، به ساتخاری غیرمنظم‌م وارد خواهند شد که فاقد نظم حقوقی پایدار و قابل پیش‌بینی و مسئولیت‌پذیر است و در آن منابع مادی یا انسانی بیش از آنکه بارور شوند، تلف شده و از بین می‌روند.

سالم‌سازی و اصلاح درون‌ساختی

آری اگر شرایط سیاسی-اداری-حقوقی کشور توانایی بهره‌برداری مطلوب از منابع موجود را می‌داشت، قطع نظر از اینکه وضعیت اقتصادی کشور به چنین احوالی نمی‌افتاد، می‌شد از واردکردن منابع جدید در قالب همکاری‌های بین‌المللی هم توقع کمک به برنامه‌های توسعه‌ای و پیشرفت داشت. وقتی قوانین و مقررات و اهداف مندرج در آنها با واقعیت‌های عینی و آمارها و عملکردها به‌شدت فاصله دارند، مشخص است که سازمان‌ها و شرکت‌های فراوان وابسته نهادهای خاص نیز وجود دارند که معمولاً اطلاعات آنها منتشر نمی‌شود و بخشی بزرگ از اقتصاد پنهان کشور را در اختیار دارند. از جمله عوارض قانون‌نویسی و قانون‌گذاری داستانی، که در اجرا نیز با ناکارآمدی مدیریتی و آسیب‌تر و زیان‌بارتر می‌شود، تغییر روزمره و بی‌ثباتی قوانین است. درحالی‌که هدف مهم قانون برقراری نظم پایدار است، تغییرات مستمر قوانین، خود به نهادیبگی بی‌نظمی و آشفتگی‌های گسترده می‌انجامد. شرایط کنونی حاکی از آن است که نظم حقوقی حاکم بر نظام مدیریتی و برنامه‌ریزی و قانون‌گذاری و اجرایی دچار آشفتگی عمیق و اختلال جدی و گسترده است. بر اثر این اختلال، اولاً شرایط حاکم بر اقتصاد کشور و عوامل سیاسی-اجتماعی – فرهنگی مؤثر بر آن درست دیده و ارزیابی نشده و برای آنها مقررات واقع‌بینانه و صحیح، تدوین و تنظیم و تصویب نمی‌شود. ثانیاً همه مزاحم و مختل‌کننده نظم حقوقی‌اند و آنچه در آنها می‌گذرد، رخنه و گسترش سواستفاده از قدرت و تولید امتیازات رانتی همان مقدار ناچیز از قوانین و مقررات را هم که ممکن است جاهایی به آن آید، ناکارکرد و بی‌اثر می‌کند چنان‌که به‌عنوان یک نمونه مقررات مربوط به افشای قراردادهای دولتی در قانون مدیریت خدمات کشوری مطلقاً اجرا نشد.

ثالثاً شرایط بی‌نظمی تا جایی گسترده می‌شود که دولت و سایر سازمان‌های حکومتی نیز خود به کارگران و بازیگران مهم اقتصاد بی‌قانون یا همان اقتصاد پنهان یا اقتصاد پشت پرده بدل می‌شوند. رابعاً مفهوم اخلاقی-حقوقی «مسئولیت اعمال» را با صحنه‌ای قصه‌واره‌اند و در همین حد هم بیش از یک موضوع میانی و بالایی هرچند تنها برای خطاها یا تخلفات خود باسخی نمی‌دهد، بلکه به سادگی با پیوستگی به زنجیره حلقه‌های قدرت، موقعیت خود را محفوظ نگه داشته یا حتی بالاتر هم برود. به این ترتیب اختلال در کارکرد نهادهای حقوقی و نظم حقوقی به شکل فراینده پیچیده‌تر و عمیق‌تر نهادینه می‌شود.

اتلاف منابع و زمین‌انکارآمدی

یکی از نتایج این وضعیت نابهنجار اتلاف منابع است. پیش‌تر گفتیم از کارکردهای قانون و مقررات و کلا نظم حقوقی، تجهیز و سازماندهی منابع برای بهره‌برداری بهینه از آنهاست. در وضعیتی که نظم حقوقی در آن حاکم نیست و قوانین و مقررات قصه‌واره‌اند و در همین حد هم بیش از یک موضوع میانی و بالایی هرچند تنها برای خطاها یا تخلفات نشده و منابعی که برای انجام کارهای مختلف عمرانی و توسعه‌ای تعریف و تعیین می‌شوند، با کمترین بازدهی تلف می‌شوند و از بین می‌روند. در یک محیط ظاهراً حقوقی که بیش از نظم، بی‌نظمی تولید می‌شود، منابع حاصل از همکاری اقتصادی بین‌المللی، وارد ساختاری می‌شوند که در بهره‌برداری از منابع بسیار ناکارآمد است. در نتیجه منابع تازه نیز گرفتار همین تروارهای ناکارآمد شده و بازدهی نخواهند داشت. بلکه عمدتاً منبع تازه به منابع اتلاف‌شونده یا منابع مولد زانت اضافه می‌شوند. زمینی در تصور کنید که در این انواع حشرات و آفت‌ها لانه کرده و زندگی می‌کنند، همه جای زمین هم پر از علف است. بذر گندمی که در آن می‌ریزند، حاصل چندانی نمی‌دهد. می‌رؤید کسی را از خارج می‌آورد که بذر قوی‌تر و اصلاح‌شده با ادوات و تجهیزات بهتر و مدرن‌تر روی زمین شما بریزد تا محصول خوبی برداشت کند، اما به خود آن زمین دستی نمی‌زنید و تغییرش نمی‌دهید و از حشرات و آفت‌ها و علف‌ها پاکش نمی‌کنید. چیز زیادی عوض نمی‌شود، فقط هزینه‌های آن آدم و بذر گران‌تر و تجهیزاتش به هزینه‌های مختلف شما اضافه می‌شود. این بذر خوب هم زیر دست و

باید از هرگونه رفتاری که شائیه نفوذ قدرت‌های خارجی را به ذهن مردم وارد کند دوری جست و به مردم اطمینان خاطر داد. موضوع دیگری که در همین راستا باید در نظر قرار گیرد این است که در واقعیت حتی اگر چینی‌ها بخواهند در کشور ما همکاری گسترده و سازنده‌ای داشته باشند، ساختارها، سازمان‌ها و فرایندها و شاید افراد برای انجام چنین امری از آمادگی و چابکی لازم برخوردار نباشند. به یاد می‌آورم در سال ۱۳۹۴ به دلیل پستی که داشتم میزان همکاری شرکت – China Construction Company بسودم که برای همکاری و سرمایه‌گذاری در ایران وارد شده بودند. این شرکت بزرگ‌ترین پیمانکار چین و با گردش مالی حدود ۷۰ میلیارد دلار در سال است. در یک روز کاری پس از مذاکره با نهادهای مختلف در نهایت در سازمان سرمایه‌گذاری وزارت اقتصاد مذاکرات به پایان رسید و من گروه را به مجموعه کاخ گلستان هدایت کردم تا میهمانان چینی از فضای تاریخی تهران نیز بهره ببرند. پس از بازدید از مجموعه کاخ گلستان و استراحت در شربت‌خانه کاخ گلستان و صرف شربت‌های گوارای ایرانی و فالوده شیرازی در هنگام خروج، یک عضو همراه گروه چینی که در جلسات حاضر بود و متفکرانه یادداشت‌برداری می‌کرد و حدس من این بود که یک مقام بلندپایه از حزب کمونیست چین است به کنار آمد گفت و من برای همکاری گسترده از طرف دولت چین دستور داریم ولی در ایران آمادگی انجام چنین کاری وجود ندارد و از رفتارهای متعاض اشخاص و نهادهای ایرانی شکوکه کرد و نهایتاً اینکه بزرگ‌ترین پیمانکار چینی با دست خالی ایران را ترک کرد؛ بنابراین کار بزرگ با قدرت‌های بزرگ نیازمند اجماع نخبگان، اقعاع عموم، برنامه‌ریزی و تمهید دقیق و انسان‌های بزرگ با گرایش‌های ملی و نه فردی و منفعت‌محور است.

در پایان تأکید می‌کنم قدرت ملی هر واحد سیاسی بیش و پیش از هر عنصر دیگری درون‌زا است و از بنیان‌های درون هر کشور ریشه می‌گیرد. بی‌توجهی به داخل و توجه به خارج تحقیقا راه‌گشای هیچ راه رفته‌ای نیست.

ما و چین و ماچین

ایران شامل تبدیل‌شدن به‌عنوان قدرت اول منطقه، حضور اقتدارآمیز در منطقه خلیج فارس و زیرمن آن، نفوذ در عراق و شامات و تقویت هلال شیعی، تداوم روابری با آمریکا و اسرائیل به‌عنوان نمادهای نظام سطح جهانی و منطقه‌ای همچون‌که هم‌پوشانی با اولویت‌های استراتژیکی چین شامل حضور قدرتمند در اوراسیا، جنوب شرق آسیا و پاسیفیک، دستیابی به منابع جدید مواد اولیه و انرژی و کشف بازارهای جدید مصرف برای کالاهای تولیدی خود و تبدیل‌شدن به اقتصاد اول جهان و یک ابرقدرت ندارد. در یک کلام ایران خارج از اولویت‌های استراتژیک چین قرار دارد. حتی چین ایران را از مهم‌ترین برنامه استراتژیک خود برای قرن ۲۱ یعنی راه ابریشم جدید (New Silk Road) که با سرمایه‌ای در حدود هزار میلیارد دلار اجرا می‌شود حذف کرد. همچنین چین از عضویت رسمی ایران در «سازمان همکاری شانگهای» مانند روسیه حمایت نکرده است. البته به نظر می‌رسد چینی‌ها درباره تمایل ایران برای همکاری با چین چندان مطمئن نیستند و اعتقاد دارند نگرش فکری (Mindset) مردم و نخبگان ایران غرب‌گرایانه است؛ بنابراین انتظار ایران از چین برای شرکات استراتژیک انتظار بجایی نیست، چراکه چین ایران را یک شریک می‌داند و نه یک شریک استراتژیک. البته الزامات نوین جهانی و به‌ویژه رقابت شدیدتر چین با آمریکا، اهمیت ایران برای چین را پررنگ‌تر خواهد کرد ولی نه آن قدر پررنگ که از آن شرکات استراتژیک آن هم به شکلی که ایرانی‌ها انتظار دارند، نمایان شود؛ ازاین‌رو هل‌دادن چین به سمت یک همکاری راهبردی و درآمدزات با ایران و مواجهه با آمریکا، خیال خامی است که درک آن نیاز به زمان زیادی ندارد.

موضوع دیگری که حتماً باید به آن توجه شود، چگونگی ترکیب همکاری میان چین‌های پیچیده، صبور و آب‌ریزکه با ایرانی‌های

ادامه از صفحه اول

همچنین طیف بازی چین با آمریکا به‌عنوان ناظم نظم بین‌المللی موجود، طبیعی از همکاری تا رقابت است، ولی طیف بازی ایران با آمریکا طبیعی از رقابت تا روابری است. از سوی دیگر قدرت تأثیرگذاری ایران با سهم کمتر از نیم‌درصد از اقتصاد جهانی و صادرات حداکثر ۷۰ میلیارد دلاری با چین با سهم حدود ۲۰ درصدی از اقتصاد جهانی و صادرات دوهزار و ۶۰۰ میلیارد دلاری آمریکا متفاوت است. ایران سرخورده از بدعهدی و بی‌اعتمادی به اروپا و تحقیرات در حرکتی دفاعی و از روی ناچاری، سیاست نگاه به شرق و نزدیکی راهبردی به چین و روسیه را انتخاب کرده است، درحالی‌که چین در حرکتی دوراندیشانه و ایجابی و در چارچوب برنامه‌های کلان خود و حضور در منطقه خاورمیانه، همکاری گسترده‌تر با ایران را برنامه‌ریزی کرده است، ایران می‌خواهد در همکاری با چین، به‌ عنوان یک کشور در غرب منطقه‌ای خود را پشت سر بگذارد، درحالی‌که چین با آمریکا و غرب بربازد؛ درحالی‌که چین درجست‌وجوی هدف بلند خود یعنی تبدیل‌شدن به یک ابرقدرت است، ایران می‌خواهد در همکاری با آمریکا و چین رقابتی منطقه‌ای خود را پشت سر بگذارد، درحالی‌که چین با آمریکا و غرب ترکیه و اسرائیل دارای روابط بسیار مستحکمی است؛ بنابراین انتظار ایران از «همکاری راهبردی» با آن چیزی که چینی‌ها می‌اندیشند مابینا متفاوت است. چین ایران را یک حلقه از زنجیره قدرت خود می‌بیند، درحالی‌که ایران، چین را یک زنجیره قدرت برای خود می‌بیند. ایران انتظار یک «همکاری استراتژیک» دارد، درحالی‌که چینی‌ها از ایران انتظار یک «همکاری جامع» دارند. موضوع بعدی که حتما باید به آن توجه کرد، نگاه نخبگان و افکار عمومی ایران درخصوص «سیاست نگاه به شرق» و «زندگی راهبردی» به چین و روسیه است. عموم نخبگان فکری و افکار عمومی ایران که تاریخ خود را فراموش نکرده‌اند، اقدامات روسیه قرن ۱۹ و شوروی قرن ۲۰ را فراموش نکرده‌اند. ایضا اقدامات روسیه پس از فروپاشی شوروی را نیز یاد آورده‌اند که چه‌کسوری را رهااندازی روسیه‌ها بوشهر را سه دهه و تحویل موشک‌های اس – ۳۰ را دو دهه طول داد و چه‌کسوری